

## هم معنی درس اول

جان : روح

فکرت : اندیشه

برافروخت : روشن کرد

فضل : بخشش، عطا

گلشن : بوستان

جمله : همه، هملی

فروغ : نور، پرتو، روشنائی

حق : خداوند

خرد : اندیشه، فکر

تاب : طاقت، توانایی

از بهر : بزرگی

ریه : چشم

تجلی : پیداستادن

حق تعالی : خداوند بلند مرتبه

زار : ناتوان

خیز : برخیز، بلند شو

ربیع : بهار

گروان : آسمان

## مخالف درس اول

هوسیار ≠ ناگاه

آزار ≠ محبت

هرگز ≠ همیشه

زار ≠ توانا و قوی

تخلت ≠ دانایی، توجه کردن

هوسیار ≠ نادان

## هم خانواده درس اول

فکرت، افکار، فکر

فضل، فاضل، فضلا

معرفت، عنان، معارف

تخلت، محاض

حلق، مخلوق، خالق

## هم معنی در سن درم فارسی

خلق : آفرید

خلقت : آفرینش

خالق : آفریننده

درنگ : تأمل، مکث

درایت : فهم

بایبند باسیم : لازم آوردیم

احسان : خوبی

خاطر خواه : دل خواه ، آنچه از دل بزرگوار ، انوشیروان

خود بینی : خود پسندی ، غرور

پیشه سازد : پیشه کند ، کار و حرفه خود تراز دهد

پیشه : کار ، حرفه ، شغل

سهراسیم : ترسیم

سهر : محبت

سرا : خانه

سهل : آسان

رضا : خشنودی

لابد : شاید

## همقارن و مخالف در سن درم

مفید ≠ مضر

سهراسیم ≠ سهراسیم

تفاوت ≠ شباهت

بسیار ≠ اندک

بگماهی ≠ جهل

برخاست ≠ نشست

سهل ≠ سخت

سهرانجام ≠ آغاز

زیبایی ≠ زشتی

آسار ≠ پنهان

## هم خانواره در سن درم

احسان ، حسن ، تحسین

اخلاق ، خلق ، خلاق

شباهت ، شبهه ، تشابه

عجله ، عجول ، تعجیل

فکر ، فکر ، افکار

فهم ، تفهیم ، مفهوم

کشف ، آشاف ، ناشف

مشرک ، اشتراک ، شریک

هم هونی درس سوم فارسی

پیوسته : همیشه

می پیمورد : راه را طی می کرد

قصد : تصمیم ، منظور

به قصد : به منظور

گمند : گناب ، بند ، رسیان

گرد : جایی در پشت زمین اسب

باز : پرنده ای شکاری

آزرده خاطر : رنجیده ، دلگش ، ناراحت

به یک پرواز : با یک بار پرواز کردن

رکاب دار : پیاده ای که همراه سوار ، راه می رود

فرود : پائین

بیدرنگ : تند ، فوری ، بی توقف

ارتفا تا : از قضا ، ناگهان

مخجل : فروست

مک : پادشاه

منع : سه چشمه

مخلوط : درهم آمیخته

در پی : به دنبال

سراسیمه : کسفته ، با عجله

بار یک گردان می رسید : بسیار تند و سریع حرکت می کرد

عرض : گفتن ، بیان کردن

چیره : پیروز

آه سرد : آه زنازه ای از سینه امیدی و اندوه

مركب : آن چه با یک سوار شوند

بیجان کردن : کستم

متضاد و مخالف درس سوم

بالا ≠ پائین

مالامال ≠ خالی

بی درنگ ≠ درنگ ، با تأخیر

ملاط ≠ انبساط

لحواب ≠ ناراحت

هلاک ≠ آباد کردن

انوب ≠ زیار ، فراوان

زالال ≠ بجزر ، تاروتیره

هم خانواده درس سوم

هلاک ، مهلاک ، سهلاک ، هلاکت

ظرف ، ظرف

لطف ، لطیف ، لطفیه ، الطاف

قصد ، مقصد ، قاصد ، مقاصد ، مقصد

امثال ، مثل ، مثال ، مثل

معلوم ، کلمه ، محال ، کلیم ، معلوم